

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۲
تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۵

فصل نامه علمی - تخصصی عصر آدینه
سال نهم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۵

تجلی گفتمان مهدویت در هنر معاصر ایران

حجت اله مرادخانی^۱
حسین اکبری نسب^۲

چکیده

در نوشتار حاضر تجلی گفتمان مهدویت در هنر معاصر ایران با تاکید بر تابلو "او خواهد آمد" اثر استاد محمود فرشچیان، هنرمند معاصر ایرانی مورد مطالعه قرار گرفته و چگونگی عینیت یافتن مفهوم ظهور منجی در یک اثر هنری با استفاده از روش تحلیل گفتمان، نشان داده می شود. تحلیل گفتمان رهیافتی برای مطالعه گفتمان های مختلف و بررسی چگونگی شکل گیری معنا در فضای گفتمانی یک جامعه است. در این شیوه مجموعه شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و روابط میان آن ها به طور کلی مورد بررسی قرار می گیرد. در این مقاله نیز با استفاده مفاهیم تحلیل گفتمان، چگونگی تأثیرگذاری گفتمان مهدویت به عنوان یکی از گفتمان های اصلی جامعه معاصر ایران بر دیگر گفتمان های موجود در فضای فرهنگی جامعه، مثل گفتمان هنری، مورد بررسی قرار گرفته و بیان می شود چگونه عناصر تجسمی موجود در تابلو نقاشی "او خواهد آمد" به عنوان دال هایی بر مفاهیم عقیدتی و مذهبی مربوط به ظهور منجی دلالت کرده و باورهای عمومی را متجلی می کنند. در این بین سازوکارهای مفصل بندی بیناگفتمانی شکل گرفته در این اثر هنری نیز تحلیل خواهند شد.

واژگان کلیدی

گفتمان مهدویت، تحلیل گفتمان، نقاشی معاصر، مفصل بندی گفتمانی، فضای گفتمان گونگی.

۱. دانشجوی دکتری پژوهش هنر دانشگاه علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)
(Hojat.moradkhani@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور تهران.

فرهنگ را مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی هر جامعه می‌دانند که در بستر زمان از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و بسط و گسترش می‌یابد. این ارزش‌ها و عقاید، هویتی خاص برای انسان‌های آن جامعه به وجود آورده و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد. در این میان برخی از مبانی فکری وجود دارد که به سبب اهمیت و محتوای تعیین‌کننده‌شان، فضای فرهنگ را از خود متاثر ساخته و کلیت آن را هم‌رنگ با خود می‌سازند. در فرهنگ تشیع، اصل مهدویت و انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) از مبانی اصلی تفکر شیعی بوده که تأثیر غیرقابل انکاری بر کلیت فرهنگ جامعه به جای گذاشته است و بخش‌های مختلف جامعه همگام و متناسب با موضوع مهدویت در تلاش و تکاپو برای فراهم آوردن بسترهای لازم جهت تحقق این آموزه زیربنایی در اندیشه شیعه می‌باشند. این آموزه و باورداشت عقیدتی، برآمده از منابع معتبر دین اسلام یعنی کتاب و سنت بوده و از این حیث مورد تأیید و پذیرش همه مسلمانان است.

«عقیده به مهدویت و باور به ظهور و قیام مهدی موعود (عج)، به عنوان نجات‌دهنده عالم بشریت و اصلاح‌گر موعود، باور و اعتقادی است که بر اساس کتاب و سنت پدید آمده و همه مسلمانان پیشین و پسین، بر آن اتفاق نظر دارند. این باورداشت، به عنوان اندیشه اصیل اسلامی، بر پایه استوارترین دلایل عقلی و نقلی بنا نهاده شده است.» (کارگر، ۱۳۸۳: ۵۱)

از آن جا که فرهنگ، شبکه پویایی از روابط متقابل میان نظام‌های معنایی مختلف درون و بیرون از خود است، می‌توان چنین بیان داشت که یک نظام معنایی خاص به سبب گستردگی و اهمیتش می‌تواند سایر نظام‌های معنایی منتشر در آن فرهنگ را متأثر ساخته و همگون با خود سازد. در این بین اصل مهدویت به عنوان یک نظام معنایی منسجم در فرهنگ امروز کشور ما چنین جایگاهی داشته و به مثابه یک لنگر و مرکز ثقل عقیدتی، دیگر نظام‌های معنایی فعال در فضای فرهنگی جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است. حال باید دید، معانی، عمدتاً به چه طریقی در لایه‌های مختلف ساختار فرهنگ منتشر می‌شوند.

سازوکار اصلی که عمدتاً در جوامع انسانی مفاهیم و تعبیر گوناگون به واسطه آن بیان می‌شوند و در نتیجه منتشر می‌گردند، سازوکارهای زبانی می‌باشد. یعنی انسان با استفاده

از زبان است که می‌تواند درباره پدیده‌های مختلف ابراز عقیده کند، به تعامل گفتمانی با دیگران بپردازد و در نتیجه به تولید معنا دست بزند. براین اساس، مطالعه و بررسی گفتمان‌های رایج در هر جامعه‌ای می‌تواند در شناخت فضای فکری و عقیدتی اعضای آن جامعه موثر باشد. چراکه زبان به عنوان حوزه کنش‌گری اجتماعی انسان، ابزار مهمی در تولید معنا برای وی محسوب می‌شود و شناخت بستر گفتمانی یک جامعه نیز به طور کلی ساختارهای معنایی موجود در آن را معرفی می‌سازد. گفتمان مهدویت در جامعه اسلامی ما یکی از بسترها و خواستگاه‌های اصلی اندیشه محسوب می‌شود و بسیاری از تفکرات و محصولات فکری، فرهنگی ما برآمده از این باور راستین می‌باشد.

«مهدویت چیزی جز حیات و پویایی امامت در عصر غیبت، و حاکمیت جهانی یافتن توحید و عدالت در عصر ظهور نیست و تنها «اصالت تشیع»، «غنای امامت» و «اعتبار مهدویت» بوده است که بقای سنت راستین پیامبری و تحقق‌پذیری تعالیم قرآنی و رشد معارف آینده‌ساز و آرمان‌گرای ولایی را تضمین نموده است.» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۱)

امروزه یکی از شیوه‌های رایج در مطالعات علوم انسانی، روش تحلیل گفتمان است که در آن با مطالعه سازوکارهای زبانی چگونگی شکل‌گیری معانی در فضای فرهنگی جامعه بررسی شده و بیان می‌شود که این مفاهیم و معانی رایج در زبان یک جامعه به چه شکلی باورهای آن اجتماع را شکل می‌دهند. در واقع تحلیل گفتمان، چگونگی تجلی یافتن معنا و پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی چون: واحدهای زبانی، بافت بلافصل زبانی و نیز کل نظام زبان و عوامل برون زبانی چون: زمینه اجتماعی، فرهنگی را بررسی می‌کند.

«تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹)

تحلیل گفتمان ریشه در معناکاوی دارد و برای بررسی پدیده‌های فرهنگی اندیشه‌ای مناسب بوده و دارای مزایا و قابلیت‌هایی چون: پرهیز از جبرگرایی، ارائه توصیفی از ساختارهای اندیشه‌ای و مطرح ساختن تبیینی منسجم از هژمونیک شدن برخی

نظام‌های فکری و اندیشه‌ای در یک جامعه، می‌باشد. گفتمان مهدویت نیز به عنوان یک نظام فرهنگی اندیشه‌ای در جامعه ما تجلی‌های مختلفی در عرصه تولیدات فرهنگی جامعه داشته، و می‌توان بواسطه تحلیل این گفتمان، تأثیر آن بر پدیده‌های فرهنگی هم چون آفرینش‌های هنری را مورد مطالعه قرار داد و چگونگی این تأثیرپذیری را به بحث کشاند.

از این رو در نوشتار حاضر با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان، تأثیر و تجلی گفتمان مهدویت در هنر معاصر ایران را مورد بررسی قرار داده و با استفاده از مفاهیم و تعابیر این شیوه بیان خواهد شد که چگونه آفرینش‌های هنری از گفتمان مهدویت تأثیر پذیرفته‌اند. از آن جا که بررسی تمام حوزه‌های گوناگون هنر، کار گسترده می‌باشد در مقاله حاضر تنها به بررسی هنر نقاشی پرداخته و برای این کار تابلو "او خواهد آمد" اثر استاد محمود فرشچیان مورد خوانش قرار می‌گیرد. در این راستا ساز و کارهای شکل دهنده مفهوم ظهور در این اثر و چگونگی تجلی یافتن معانی و مفاهیم مهدوی به کمک عناصر بصری نشان داده می‌شود.

روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از روش تحلیل گفتمان به عنوان مبنای نظری کار، نمونه‌ای از نقاشی معاصر ایران را از حیث تأثیرپذیری از گفتمان مهدویت، مورد خوانش قرار می‌دهیم. بنابراین در ابتدا شرح مفاهیم بنیادی این شیوه لازم به نظر می‌رسد. تحلیل گفتمان، یکی از شیوه‌های مطالعاتی بین‌رشته‌ای است؛ که در نیمه دوم قرن بیستم، در بستر پسامدرنیسم و در پی تحولات گسترده معرفتی در رشته‌های علوم انسانی مثل: زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، مردم‌شناسی و دیگر رشته‌هایی که به مطالعات نظام‌مند ساختار و فرایند تولید گفتار و نوشتار علاقمند بودند، به وجود آمد. این شیوه به دنبال شناخت ساز و کارهای مربوط به روابط میان متون در معنای عام و بسترهای اجتماعی پیرامون آن‌ها می‌باشد. در حقیقت آن چه در تحلیل گفتمان مورد توجه قرار دارد شناخت و معرفی روابط میان ساختارهای گفتمانی موجود در یک جامعه با دیدگاه‌های فکری رایج در آن جامعه می‌باشد. یول و براون در تعریف تحلیل گفتمان می‌نویسند:

تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آمده‌اند. (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۹)

بنابراین می‌توان چنین گفت که تحلیل گفتمان به مطالعه کاربرد زبان در بافت اجتماعی بلا فصل آن توجه داشته و به بررسی چگونگی پدید آمدن معانی و مفاهیم، به لحاظ رابطه بین صورت زبانی و بافت اجتماعی می‌پردازد. در بستر فرهنگ، از یک سو؛ گفتمان‌ها پیوسته ما را تعریف، بازتعریف و محدود می‌سازند و با توسعه دادن معنای واژه‌ها در مواردی حتی معانی جدیدی هم برای آن‌ها به وجود می‌آورند و از سوی دیگر به مثابه سازه‌های بزرگ‌تر اجتماعی، زبان را می‌سازند و حدود دیگر نظام‌های نشانه‌ای موجود را تعریف می‌سازند. در این میان ابزارهایی که تحلیل گفتمان در اختیار ما می‌گذارد، امکانی را فراهم آورده تا بتوانیم به مطالعه این سازه‌های بزرگ‌تر اجتماعی در حیات فرهنگی جامعه بپردازیم.

وظیفه یا هدف اصلی مطالعه گفتمان فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد گفتمان است: چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل تأثیر می‌گذارد یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم تأثیر می‌گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می‌کنند. (ون دایک، ۱۳۸۹: ۱۸)

و در این بین تاکید ویژه بر زبان از این حیث است که اعضای یک جامعه از زبان برای بیان افکار خود استفاده می‌کنند. محصولات فرهنگی جامعه مانند آثار هنری نیز به دلیل حضور در فضای پویای فرهنگ از گفتمان‌های رایج در آن تأثیر می‌پذیرند. گفتمان‌ها نیز با تولید و بازتولید معانی و مفاهیم خاص در این تأثیرگذاری، نقشی انکارناپذیر دارند. گاهی اوقات در فضای گفتمانی یک جامعه، یک گفتمانی خاص، محوریت بیشتری نسبت به سایرین پیدا کرده و در نتیجه معانی برآمده از آن گفتمان نیز از اهمیت و توجه بیشتری برخوردار خواهند بود. در فضای گفتمانی جامعه معاصر ایران، این نقش محوری بر عهده گفتمان مهدویت بوده، و چنین به نظر می‌رسد معانی و مفاهیم تولید شده توسط این گفتمان از محوریت بیشتری برخوردار است و در نتیجه باورهای عمومی جامعه تحت تأثیر آن‌ها شکل می‌گیرد. شکل‌گیری باورهایی از این دست موجب می‌شود تا دیگر

محصولات فرهنگی جامعه که توسط افراد آن خلق می‌شوند تحت تأثیر این باورهای عقدیتی و مذهبی رنگ و بویی از این دست پیدا نمایند.

در فضای یک گفتمان مثل گفتمان هنری، هنگام استفاده از عناصر یا نشانه‌های مختلف برای بیان یک موضوع استفاده می‌شود، در واقع نظام‌های نشانه‌ای مختلفی فعال شده و این امکان را مهیا می‌سازند تا فرد بتواند معانی و مفاهیم مورد نظر خود را منتقل نماید. حال ممکن است که هنرمند از نظام‌های کلامی یا غیرکلامی استفاده نماید. با وجود اینکه ممکن است پویایی نشانه‌های موجود در این نظام‌ها با هم متفاوت باشد، اما آن‌چه که مسلم است این نشانه‌ها همگی اثر دلالت‌گری دارند. و از طرفی می‌دانیم که آن‌چه دلالت می‌کند و معنا تولید می‌کند، نشانه‌ای است که در یک متن به جای چیز دیگری قرار می‌گیرد. در یک تابلو نقاشی نیز چنین اتفاقی می‌افتد و نشانه‌های تصویری به جای نشانه‌های نوشتاری یا گفتاری به کار می‌روند اما چون هر دو برآمده از یک موضوع واحد هستند اثر دلالت‌گری آن‌ها و به تبع معانی برآمده از آن‌ها همگی همگون می‌باشند. «متن یا گفتمان نوشتاری مجموعه بزرگی از انواع گفتمان‌هاست که گزارش‌های خبری در روزنامه‌ها، مقاله‌های علمی، رمان‌ها، کتاب‌های درسی و تبلیغات از جمله آن‌ها هستند.» (ون دایک، ۱۳۸۹: ۲۶)

در تحلیل گفتمان بر شناخت روابط میان جمله‌ها با یکدیگر تأکید شده و به کلیت آن چیزی که نتیجه این روابط است نگاه می‌شود. تحلیل گفتمان به سازوکارهای زبانی تشکیل متن می‌پردازد و این‌که چه ابزارهایی به جمله‌های زبان، متنیت می‌بخشند. حال این متنیت می‌تواند به صورت نوشتار اتفاق بیافتد و یا این‌که در اشکال دیگری چون متون تصویری مثل: نقاشی عینیت پیدا نماید. چرا که بیان‌های فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل صرف متن، نوشتار و یا گفتار بوده و تحلیل‌های مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که یک مفهوم کلی را دربر می‌گیرد، مفهومی متأثر از بافت موقعیتی^۱ یعنی شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه شکل می‌گیرد. در تحلیل گفتمان برخی مفاهیم اساسی وجود دارد که در ادامه برخی از آن‌ها را تشریح خواهد شد.

مفصل‌بندی:^۲ این مفهوم ناظر به این است که هر عملی که میان عناصر موجود در درون

1. context of situation
2. articulation

یک گفتمان، ارتباط برقرار کند به نحوی که هویت و معنای عناصر یاد شده، اصلاح و تعدیل شود، مفصل بندی نامیده می شود و در نتیجه محصول عمل مفصل بندی را (گفتمان) می گویند. در این جا نیز مفصل بندی میان مفاهیمی چون انتظار، ظهور منجی، فرهنگ مهدوی و رفتار مهدوی با همدیگر موجب شکل گیری گفتمان مهدویت شده است.

دال مرکزی:^۱ در کلیت یک گفتمان دال مرکزی نشانه ای است، که نیروی جاذبه آن، دیگر نشانه های درون گفتمان را به خود جذب کرده و به آن ها معنا و هویت می بخشد. در گفتمان مهدویت که محوریت بحث حاضر را می سازد، مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام دال مرکزی گفتمان است و دیگر نشانه ها و مفاهیم چون انتظار ظهور، رفتار مهدوی، عدالت جهانی و... با توجه به دال مرکزی و بر اثر ارتباط با آن است که معنا و مفهوم پیدا می کنند.

فضای گفتمان گونگی:^۲ به فضایی حاوی معانی بالقوه ای گفته می شود که بیرون از گفتمان قرار دارند. دال های فضای گفتمان گونگی مانند ظرفی خالی هستند که آماده دریافت هر نوع معانی بالقوه می باشند. و انتخاب یک معنی خاص باعث طرد معانی دیگر شده و زمینه را برای مفصل بندی های جدیدی فراهم می آورد. در ارتباط با گفتمان مهدویت، بخش هایی از علوم انسانی که ارتباط شان با مسئله مهدویت مورد مطالعه و سنجش قرار نگرفته است به عنوان فضای گفتمان گونگی برای گفتمان مهدویت محسوب می شوند و پرداختن به آن ها، مفصل بندی های جدیدی برای توسعه گفتمان مهدویت را فراهم می آورد.

بررسی نمونه تحقیق

همان طور که پیش تر نیز اشاره شد در این پژوهش تأثیر گفتمان مهدویت بر هنر معاصر ایران با تاکید بر تابلو نقاشی "او خواهد آمد" اثر استاد محمود فرشچیان تحلیل می شود. استاد محمود فرشچیان از هنرمندان مینیاتوریست معاصر در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در شهر اصفهان به دنیا آمد. وی در مدت زمان فعالیت هنری خود شیوه نوینی را در نگارگری ایرانی به وجود آورد و توانست که فضای هنری معاصر ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد.

1. Nodal point
2. Field of Discursivity

فرشچیان از هنرمندانی است که در کنار شهرت بین‌المللی خود، توجه ویژه‌ای به مفاهیم و موضوعات مذهبی داشته و به همین خاطر موضوع بسیاری از مینیاتورهایش را روایات، رخدادهای و مفاهیم دینی و مذهبی تشکیل داده است. که از آن جمله می‌توان به تابلوهای: "عصر عاشورا"، "ضامن آهو"، "نیایش"، "کوثر" و آثار متعدد دیگری از این دست اشاره کرد. یکی از مینیاتورهای این هنرمند برجسته تابلو "او خواهد آمد" است که به ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره دارد. در این اثر هنرمند با استفاده عناصر تجسمی مختلفی چون: رنگ، بافت، کنتراست نوری، خطوط مختلف و... توانسته فضایی معنوی را تصویرسازی کند که در آن از عمق یک پس زمینه بی‌کران، آمدن حضرت مهدی علیه السلام را نشان می‌دهد. در این تابلو پس زمینه آبی رنگ، وسعت ولایتناهی بودن موضوع آن را نشان می‌دهد که خود بیانگر آرامش و امنیتی است در زمان ظهور حضرت بر جهان حکم فرما خواهد شد. استاد فرشچیان قدم‌های امام عصر علیه السلام را به تصویر کشیده که در واقع اشاره‌ای نمادین به آمدن ایشان داشته، و بیانگر پدیده ظهورشان می‌باشد. مسئله‌ای که آرزوی بسیاری از مشتاقان آن حضرت بوده، و فرهنگ انتظار را در جامعه ما به وجود آورده است. (تصویر ۱)



تصویر ۱ تابلو «او خواهد آمد» اثر استاد محمود فرشچیان

همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، اغلب نواحی تابلو تیره رنگ بوده و تنها بخش‌هایی که قدم‌های مبارک حضرت در آن جا قرار دارد روشن بوده و ما شاهد تالون‌نور و روشنایی هستیم. در واقع هنرمند با این کار بر اساس روایات و منابع مکتوب که به ظلمت حاکم بر دنیا پیش از ظهور مهدی موعود علیه السلام اشاره دارد و فضای این تابلو به مثابه جهان در عصر ظهور بوده و تیرگی‌های موجود در آن بر شرایط سخت بشر دلالت دارد و آن‌جا که منجی عالم بشریت قدم می‌گذارد به خاطر نور وجود الهی ایشان همه جا روشن شده و ظلمت برچیده می‌شود. چیزی که بسیاری از روایات و احادیث اسلامی بر آن تاکید فراوان دارند.

«آیات قرآن کریم و انبوهی از روایات، بیانگر این واقعیت است که آینده جهان و پایان تاریخ به سویی می‌رود که جهان پر از ظلم و جور و تباهی با قیام منجی بشریت، از همه ستم‌ها پاک و سرشار از عدل و داد خواهد شد و این سنت الهی است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«... فیریکم کیف عدل السیره و یحیی میت الکتاب والسنة؛

اوبه هنگام قیام، عدالت اسلامی و دادگری و روش پیامبر صلی الله علیه و آله در عدالت را در چشم انداز جهانیان قرار خواهد داد و کتاب و سنت را که پیش از او مرده‌اند، زنده خواهد کرد.» (جهانیان، ۱۳۸۶: ۴)

در دوران معاصر نیز این مفاهیم و تعابیر ارزنده در قالب گفتمان مهدویت در فرهنگ ما جایگاه مستحکمی داشته و به سبب تأثیرات که این گفتمان بر دیگر گفتمان‌های موجود مثل گفتمان هنر معاصر داشته است، ما شاهد پدید آمده آثاری از این دست می‌باشیم. در تحلیل گفتمان هم برویژگی‌های متن و گفتارها توجه می‌شود و هم بر بافت فرهنگی اجتماعی که متون در بستر آن شکل گرفته‌اند تاکید می‌گردد. «مطالعات گفتمانی باید هم به بررسی مشخصه‌های متن و گفت و گو بپردازند و هم به بررسی زمینه یا بافت مشخصه‌های موقعیت اجتماعی یا رخداد ارتباطی که به طور نظام‌مندی بر متن و گفت و گو تأثیر می‌گذارند.» (ون دایک، ۱۳۸۹: ۲۰) مشاهده و تحلیل تابلو نقاشی "او خواهد آمد" در واقع تجزیه و تحلیل ابعاد بصری گفتمان مهدویت می‌باشد. عناصر تجسمی موجود در این تابلو، به مثابه نشانه‌هایی که همنشینی آن‌ها در کنار هم کلیت اثر را شکل داده است، همگی دال‌هایی هستند مشابه دال‌های زبانی و هرچند که با هم تفاوت‌هایی دارند، اما

همگی اثر دلالت‌گری داشته و از آن جا که مبنایی وجودی همگی این دال‌ها، گفتمان مهدویت و مفاهیم و تعابیر خاص آن می‌باشد، پس چنین می‌توان گفت که دال‌های تصویری نیز در فرآیند معنایی شبیه دال‌های زبانی و کلامی شکل گرفته‌اند و در نتیجه بر مدلول‌های مشابهی نیز دلالت خواهند کرد. که در این جا این مدلول‌ها همانا ظهور حضرت مهدی عج، انتظار و مسائل مربوط بدان می‌باشد. در این تابلو نقاشی مفصل‌بندی ایجاد شده میان عناصر گفتمان مهدویت با گفتمان هنر معاصر، موجب پدید آمده اشکال جدیدی از دال‌هایی شده که بر مفهوم مهدویت دلالت دارند. دال‌های که به صورت بصری و در قالب نقاشی تجلی یافته‌اند. این ارتباط دلالت‌گری میان عناصر نقاشی و معانی مذهبی مرتبط با ظهور، به واسطه این مفصل‌بندی بیناگفتمانی پدید آمده است. «نقطه شروع بررسی و تحلیل این جاست که گفتمان‌ها با بازنمایی واقعیت به این شکل خاص به جای شکل‌های ممکن دیگر، سوژه‌ها و ابژه‌ها را به نحو خاصی می‌سازند، مرزهایی مابین حقیقت و خطا ترسیم می‌کنند، و گونه‌های خاصی از کنش‌ها را مربوط و معنادار و سایرین را نامربوط و خارج از موضوع قرار می‌دهند.» (یورگنسن - فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۵)

همان‌گونه که بیان شد در یک گفتمان دال مرکزی نشانه‌ای است که نسبت به دیگر نشانه‌ها مرکز ثقل محسوب شده و نشانه‌های دیگر موجود را به خود جذب می‌کند و به آن‌ها هویت می‌دهد. در این تابلو نیز قدم‌های انسانی که ما چهره او را در این نقاشی نمی‌بینیم دال مرکزی اثر است که بر آمدن امام عصر عج دلالت دارد. در واقع این نشانه به عنوان مرکز ثقل تابلو به دیگر عناصر موجود در تصویر هویت بخشیده و فضای کلی اثر را منطبق بر محور مهدویت شکل داده است. اثر دلالت‌گری دیگر عناصر تجسمی نقاشی نیز همگی متأثر دال مرکزی اثر، رنگ و بویی مذهبی و مهدوی پیدا کرده‌اند و معانی برآمده از آن‌ها به دلیل ارتباط با دال مرکزی همگی معنایی از این دست دارد. در ارتباط با فضای گفتمان‌گونه‌گی که پیش‌تر شرح داده شد، باید افزود در واقع فضای هنری جامعه، نسبت به گفتمان مهدویت در فضای گفتمان‌گونه‌گی قرار داشته و هر زمان که آفرینش هنری مبتنی بر مفاهیم مهدویت صورت می‌گیرد، زمینه لازم برای مفصل‌بندی‌های جدید پدید آمده و ما شاهد خلق آثاری هستیم که به خوبی بیانگر معانی و مفاهیم مهدوی در اشکال غیرکلامی و غیرگفتاری مثل تصویر می‌باشیم. چیزی که نمونه بارز آن را در این جا و در تابلو "او خواهد

آمد" می بینیم. (تصویر ۱). پس با تحلیل این متون تصویری می توان عینیت یافتن مفاهیم فرهنگی - مذهبی از این دست را نشان داد و میزان انتشار آن ها را در بین لایه های مختلف جامعه بررسی کرد. «تحلیل متن بهتراز هر روش دیگری می تواند فرآیندهای اجتماعی - فرهنگی را، به هر شکلی که پدیدار شوند، با همه پیچیدگی شان، تناقض هاشان و سرشت اغلب دیگرگون شان توضیح دهد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱۹)

نتیجه گیری

مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در فرهنگ ما رویدادی است که بخش مهمی از فرهنگ و اندیشه جامعه ما را شکل داده است. بر همین مبنا گفتمان مهدویت بر اساس روایات و منابع مستند دینی در ارتباط با مسئله ظهور، سلسله رویدادها و انگاره های ذهنی منطبق با آن را برای افراد جامعه پدید آورده و در وجوه مختلف حیات انسانی از زبان گرفته تا دیگر افعال برآمده از اندیشه، مثل خلق یک تابلو نقاشی بر اساس تفکر مهدوی به وجود آمده اند. آثار هنری به عنوان محصولات فرهنگی یک جامعه در روند شکل گیری از فضای فکری حاکم بر آن جامعه تأثیر پذیرفته و منطبق بر خصوصیات عقیدتی آن پدید می آیند چیزی که نمود آن را در تابلو استاد فرشچیان به خوبی مشاهده کردیم.

گفتمان مهدویت و مفاهیم خاص آن به سبب نفوذ بالا و غنای معنوی فراوانی که دارند در مواجهه با دیگر گفتمان های رایج در جامعه مثل گفتمان هنری، آن ها را تحت تأثیر خود قرار داده و شرایطی را فراهم می آورد تا مفاهیم مهدویت در اشکال مختلف در قالب محصولات مختلفی چون تابلو نقاشی تجلی پیدا کنند. و این نکته بیانگر این موضوع است که فرهنگ مهدویت در میان لایه های مختلف جامعه و در اشکال متنوعی تجلی یافته است چیزی که یک نمونه از آن را در این پژوهش به خوبی مشاهده کردیم. استاد فرشچیان در خلق تابلو "او خواهد آمد" با تأثیر پذیری از مفاهیم و تعبیر مربوط به ظهور منجی، عناصر تجسمی را در جهت عینیت بخشیدن به آن معانی به کار گرفته و در این راه توانسته تا وجوهی از گفتمان مهدویت در جامعه معاصر ایران را به واسطه به کارگیری هنر نقاشی متجلی سازد و به مفاهیم نظری آن عینیتی تصویری ببخشد.

منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۷۲). *قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ دوم.
- جهانیان، ناصر. (۱۳۸۶) *جهانی سازی، عدالت اقتصادی و مهدوی*. قم: مرکز تخصصی مهدویت
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). *نشانه شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- صافی گلپایگانی، محمود. (۱۳۷۷). *گفتن ماهدویت*، قم: واحد تحقیقات مسجد جمکران. چاپ اول.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتن*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ اول.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۵). *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*. قم، دفتر نشر اسلامی، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). *انسان کامل*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
- _____ (۱۳۶۷). *امدادهای غیبی در زندگی بشر*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۷۱). *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
- میلز، سارا. (۱۳۸۸). *گفتن*، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم، چاپ دوم.
- نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۷۸). *فرق الشیعه*، ترجمه: جواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ون دایک، تئون ای. (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتن*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ سوم.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتن*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ اول.